



مقایسه رده‌شناختی اسم مرکب در فارسی و انگلیسی

علاءالدین طباطبایی^۱

چکیده

دو زبان فارسی و انگلیسی از جمله زبانهایی هستند که در آنها ساختن واژه مرکب زایاترین روش برای گسترش واژگان‌شان به شمار می‌آید. در هر دو زبان در میان واژه‌های مرکب، شمار اسمهای مرکب از مقوله‌های دیگر بیشتر است (به شرطی که در فارسی افعال مرکب را زنجیره‌ای غیر صرفی در نظر بگیریم). در این مقاله اسمهای مرکب این دو زبان را از چهار دیدگاه بررسی کرده‌ایم: تصریف درونی، هسته‌داری، ترتیب اجزای سازنده ترکیب، معنی‌شناسی. در این بررسی از هر زبان پنج ساختار اسم مرکب ساز کاملاً یا نسبتاً زایا را برگزیده‌ایم و اسمهای مرکب دارای هریک از این ساختارها را از چهار دیدگاه بالا مقایسه کرده‌ایم. نتیجه این بررسی را می‌توان در سطور زیر خلاصه کرد:

- ۱- در زبان انگلیسی در مواردی نه چندان کم شمار، ممکن است نشانه جمع در بین دو واژه سازنده اسم مرکب قرار گیرد، اما در فارسی به طور کلی در واژه‌های مرکب تصریف درونی بسیار نادر است.
- ۲- در هر دو زبان شمار اسمهای مرکب هسته‌دار بسیار بیشتر از بی‌هسته است.
- ۳- در هر دو زبان شمار اسمهای مرکب هسته‌پایان بسیار بیشتر از هسته‌آغاز است، اما در فارسی شمار هسته‌آغازها در قیاس با انگلیسی بیشتر است.
- ۴- در هر دو زبان شمار اسمهای مرکب درون‌مرکز در قیاس با برون‌مرکز بسیار بیشتر است.
- ۵- در انگلیسی، در ترکیب‌های پیوندی جزء اول (اسم) همواره موضوع درونی فعل محسوب می‌شود، در فارسی نیز در اسمهای مرکب حاصل از این ترکیبها همین وضعیت به چشم می‌خورد.

کلید واژه‌ها: اسم مرکب، ترکیب، رده‌شناسی، هسته‌داری، برون‌مرکز، درون‌مرکز، متوازن.

مقدمه

فارسی و انگلیسی از جمله زبانهایی هستند که در آنها شمار واژه‌های مرکب بسیار زیاد است. اسم مرکب در زبان انگلیسی بزرگترین زیر گروه واژه‌های مرکب محسوب می‌شود (بائر، ۱۹۸۳، ص ۲۰۲). در زبان فارسی نیز، اگر فعل مرکب را واحدی صرفی در نظر نگیریم، شمار اسمهای مرکب از دیگر مقوله‌ها بسیار بیشتر است. در این مقاله اسمهای مرکب این دو زبان را از دیدگاه رده‌شناسی ترکیب بررسی کرده‌ایم.

نخست باید ببینیم مراد از رده‌شناسی ترکیب چیست. ترکیب را معمولاً چنین تعریف می‌کنند: ساختن واژه از طریق پیوستن (معمولاً) دو واژه مستقل (برای نمونه نک. کاتامبا، ۱۹۹۳، ص ۲۶۴؛ بائر، ۲۰۰۹، ص ۲۴۳). ترکیب را بسیاری از زبان‌شناسان یکی از جهانی‌های زبان به شمار آورده‌اند (نک. فرامکین و دیگران، ۱۹۹۶، ص ۵۵-۵۴). درستی یا نادرستی چنین ادعایی بسته به این است که ما از ترکیب چه تعریفی به دست دهیم و چه واژه‌هایی را مرکب بدانیم. هر چند در این عرصه میان زبان‌شناسان اختلاف نظر وجود دارد، با توجه به مجموع ملاک‌هایی که برای تشخیص واژه مرکب به دست داده‌اند، تردیدی نیست که در دو زبان فارسی و انگلیسی شمار زیادی واژه مرکب وجود دارد. از این رو وجود ترکیب در این هر دو زبان را بدیهی می‌گیریم^۱ و توجه خود را به مقوله‌هایی معطوف می‌کنیم که برای بررسی رده‌شناختی واژه‌های مرکب پیشنهاد شده است (نک. بائر، ۲۰۰۹، ص ۳۵۶-۳۴۳).

از میان این مقوله‌ها فقط به مقوله‌هایی پرداخته‌ایم که وجوه افتراق و شباهت دو زبان را نشان می‌دهد. این مقوله‌ها عبارت‌اند از: تصریف درونی، هسته داری، ترتیب اجزای سازنده ترکیب، معنی شناسی ترکیب.

نخست این مقوله‌های چهارگانه را به اختصار تمام طرح و شرح می‌کنیم.

^۱ برای آگاهی از ملاک‌های تشخیص واژه‌های مرکب در فارسی نک: هرمز میلان‌یان (۱۳۵۰): ویدا شقاقی (۱۳۸۶)، ص ۳۰-۱۷؛ علاء‌الدین طباطبایی (۱۳۸۲)، ص ۴-۳؛ و برای همین ملاک‌ها در انگلیسی نک: لیبرو ... (۲۰۰۹)، ص ۱۸-۳؛ بائر (۱۹۸۳)، ص ۱۱۱-۱۰۲؛ کاتامبا (۱۹۹۳)، ص ۲۹۵-۲۹۱.

تصریف درونی

نمونه اصلی واژه مرکب واژه‌ای است که فقط از به هم پیوستن دو واژه بی‌نشان ساخته شده باشد (لوری بائر، ۲۰۰۹، ص ۳۴۶). اما در برخی زبانها ممکن است در بین دو واژه سازنده یک عنصر تصریفی قرار گیرد. به این پدیده تصریف درونی می‌گویند.

هسته داری

در بسیاری از زبانهای جهان که در آنها ترکیب فرایندی زیاست، غالباً شمار بزرگی از واژه‌های مرکب هسته‌دار هستند. مقصود از هسته آن واژه‌ای در کلمه مرکب است که دو شرط زیر را داشته باشد:

۱- کل واژه مرکب در شمول معنایی آن قرار داشته باشد. برای مثال در واژه *دامپزشک*، "پزشک" هسته است زیرا "دامپزشک" نوعی "پزشک" است. به همین قیاس در *کلیدواژه*، "واژه" هسته به شمار می‌آید. همچنین در واژه *domino theory* "theory" هسته محسوب می‌شود زیرا *domino theory* نوعی *theory* است (نک. بائر ۲۰۰۹، ص ۳۴۸؛ پلاگ، ۲۰۰۳، ص ۱۳۵).

۲- کل واژه مرکب از نظر نحوی با آن هم‌مقوله باشد. برای مثال در *شکسته دل*، "شکسته" هسته است زیرا کل واژه صفت است و "شکسته" هم صفت است. به همین قیاس در *گردن باریک* نیز "باریک" هسته محسوب می‌شود.^۱ همچنین در *green-grass*، "green" هسته است زیرا کل واژه مرکب صفت است و *green* هم صفت است. به همین قیاس در *space-borne* نیز "borne" هسته به شمار می‌آید (نک. همان).

ترتیب اجزای ترکیب

واژه‌های مرکبی که دارای هسته‌اند ممکن است هسته در آغاز یا پایان واژه قرار داشته باشد. برای مثال، در "دندان درد" که نوعی "درد" است هسته در پایان قرار دارد. چنین واژه‌های مرکبی را هسته‌پایان می‌نامیم. به همین قیاس در "شیرخشک" هسته در آغاز واژه قرار دارد. به چنین

^۱ برای بحث تفصیلی در باره جایگاه هسته در واژه‌های مرکب فارسی نک. علاءالدین طباطبایی (۱۳۸۲)، ص ۳۳-۱۹؛ مجید خباز (۱۳۸۶).

واژه‌هایی هسته‌آغاز می‌گوییم. همچنین واژه‌های domino theory هسته‌پایان و green-grass هسته‌آغاز است، زیرا مقوله دستوری کل واژه مرکب از آن گرفته شده است.

معنی شناسی ترکیب

واژه‌های مرکب از این منظر به سه گروه تقسیم می‌شوند:

۱- ترکیب درون‌مرکز: هر واژه مرکبی که معنای کل آن در شمول یکی از واژه‌های سازنده‌اش قرار گیرد درون‌مرکز است، مانند "کمک‌فتر" که نوعی "فتر" است و "مدادنگی" که نوعی "مداد" است و film society که نوعی society است (نک. اسپنسر، ۱۹۹۱، ص ۳۱۰).

۲- ترکیب برون‌مرکز: واژه مرکبی است که معنای کل آن در شمول هیچ یک از عناصر سازنده‌اش قرار نداشته باشد، مانند "هنرپیشه" که نه نوعی "هنر" است و نه نوعی "پیشه" بلکه فردی است که هنر را پیشه خود قرار داده است. همین‌طور است وضعیت واژه‌ای مانند hatchback در انگلیسی (نک. بائر، ۱۹۸۳، ص ۲۰۳).

۳- ترکیب‌های متوازن: واژه مرکبی که در آن هیچ یک از عناصر سازنده‌اش در مقام هسته قرار نداشته باشد و معنای کل واژه سر جمع معانی واژه‌هایی باشد که هم‌تراز با هم در کنار یکدیگر قرار گرفته باشند متوازن نام دارد (نک. اسپنسر، ۱۹۹۱، ص ۳۱۱)، مانند هویج‌بستنی، سیاه‌سفید، و نیز Jazz-Rock و owner-occupier^۱.

پیش از اینکه به مقایسه اسم‌های مرکب در فارسی و انگلیسی بپردازیم، باید ساختارهایی را که از رهگذر آنها در این دو زبان اسم مرکب ساخته می‌شود بازشناسیم.

ساختارهای اسم مرکب ساز

در زبان فارسی شمار ساختارهایی که اسم مرکب محسوب می‌شوند بالغ بر ۱۲ می‌شود.^۲ اما همه آنها از نظر زبانی هم‌تراز نیستند. از همین رو از میان آنها پنج ساختار را که زبانی بیشتری دارند برگزیده‌ایم:

^۱ می‌توان چنین واژه‌هایی را به دو گروه همپایه و عطفی نیز تقسیم کرد (نک. بائر، ۱۹۸۳، ص ۳۰ و ۳۱)، ولی ما به پیروی از اسپنسر (۱۹۹۱، ص ۳۱۱ و کاتامبا، ۱۹۹۳)، ص ۳۲۱، این تمایز را نادیده گرفته‌ایم.

^۲ نک. طباطبایی، ۱۳۸۸

۱- اسم + اسم

۲- اسم + صفت

۳- اسم + اسم + - ی

۴- اسم + صفت فاعلی

۵- ترکیبهای پیوندی: اسم + ستاک حال

در انگلیسی شمار ساختارهایی که با آنها اسم مرکب ساخته می‌شود بالغ بر ۹ می‌شود (نک. بائر، ۱۹۸۳، ص ۲۰۶-۲۰۲). ما پنج ساختار را که زبایی کامل یا نسبی دارند، برگزیده‌ایم.

۱- اسم + اسم

۲- صفت + اسم

۳- حرف اضافه + اسم

۴- ترکیبهای گروهی

۵- ترکیبهای پیوندی^۱: اسم + اسم مشتق از فعل

(در هردو زبان فارسی و انگلیسی از ساختارهای بالا لزوماً تنها اسم مرکب ساخته نمی‌شود)

حال این ساختارهای اسم مرکب ساز را بر اساس چهار مقوله تصریف درونی، هسته داری و ترتیب اجزای ترکیب و معنی شناسی ترکیب بررسی می‌کنیم.

تصریف درونی

در زبان فارسی تقریباً هیچ‌گاه عناصر دستوری، مانند تکواژهای تصریفی و واژه‌بسته‌ها، در بین واژه‌های تشکیل دهنده کلمات مرکب قرار نمی‌گیرند. بنابراین با واژه‌هایی مانند "گلهاخانه" و "پزندگان‌شناسی" هرگز روبرو نمی‌شویم. در این میان باید به دونکته توجه داشته باشیم: یکی اینکه گاهی اسمی که در مقام نخستین جزء یک واژه مرکب قرار دارد به صورت جمع است چنانکه در وقایع نگار می‌بینیم، اما چنین اسمی همواره جمع مکسر است و جمعهای مکسر که از

^۱. synthetic

عربی وارد زبان فارسی شده‌اند رفتار دستوری‌شان با واژه‌هایی که بر اساس قواعد تصریفی فارسی جمع بسته می‌شوند تفاوت دارد (نک. قطره، ۲۵۷). دیگر اینکه در موارد معدودی هرگاه واژه مرکب از بیش از دو واژه ساخته شده باشد، ممکن است نشانه اضافه در بین واژه‌های تشکیل دهنده آن قرار گیرد مانند *بادمجان دورقاب چین*؛ اما شمار چنین ترکیب‌هایی بسیار اندک است.

در زبان انگلیسی نیز عموماً وندهای تصریفی، از جمله تکواژ جمع، در میان اجزای تشکیل دهنده واژه مرکب قرار نمی‌گیرد، اما در شماری واژه مرکب، که شمارشان اندک نیز نیست، تکواژ جمع در پایان جزء نخست قرار گرفته است، از این جمله‌اند:

overseas investor	parks commissioner programs
coordinator	armsconscious
sales-oriented	pants loving

(نک، لیبر و اشتکائر، ۲۰۰۹: ص ۱۳).

برخی زبان‌شناسان کوشیده‌اند برای این موارد که آنها را استثنایی بر قاعده‌ای کلی به شمار می‌آورند، توجیهاتی به دست دهند (برای مثال، نک. سلکرک ۱۹۸۲، ص ۵۲).

افزون بر این در انگلیسی در مواردی نسبتاً کم شمار نشانه مالکیت نیز بین دو جزء سازنده ترکیب قرار می‌گیرد، مانند *children's hour* (نک، لیبر و اشتکائر، ۲۰۰۹؛ ص ۱۳).

با توجه به آنچه در بالا آوردیم می‌توان گفت که دو زبان فارسی و انگلیسی از نظر تصریف درونی شباهت‌هایشان بسیار است و تنها در موارد نسبتاً استثنایی با یکدیگر تفاوت دارند.

هسته داری، ترتیب اجزای ترکیب، معنی شناسی ترکیب

در هر دو زبان فارسی و انگلیسی اسم‌های مرکب ممکن است هسته دار یا بی‌هسته باشند، هر چند شمار هسته دارها در هر دو زبان بسیار بیشتر است. از آنجا که ترتیب اجزای واژه‌های مرکب با توجه به جایگاه هسته تعیین می‌شود و روابط معنایی میان اجزای سازنده واژه‌های مرکب نیز به وجود هسته یا عدم آن مربوط است، مقوله‌های هسته داری و ترتیب اجزای ترکیب و معنی شناسی واژه‌های مرکب را با هم بررسی می‌کنیم.

ساختارهای اسم مرکب ساز

زبان فارسی

اسم + اسم

با توجه به اینکه در این ساختار هر دو واژه سازنده اسم مرکب اسم است معیار دوم برای تعیین مقوله نحوی کاربرد ندارد و ناگزیریم تنها معیار اول را در نظر بگیریم: کل واژه مرکب در شمول معنایی کدام یک از اجزای سازنده‌اش قرار می‌گیرد؟

در پیکره‌ای که نگارنده از واژه‌های مرکب فراهم آورده‌است حدود ۱۵۰۰ اسم مرکب دارای این ساختار وجود دارد که در حدود دو سوم آنها هسته پایان به شمار می‌آیند.^۱

شکایت‌نامه	سپه‌سالار	خارماهی
فرهنگ‌سرا	احضارنامه	کلیدواژه
کارمزد	آهن‌آلات	آتش‌خانه

همه اسم‌های مرکب بالا هسته‌پایان هستند. اما نگارنده در حدود ۴۰۰ اسم مرکب نیز گرد آورده‌است که هسته‌آغاز به شمار می‌آیند:

آب‌میوه	آچارچرخ	تارآوا
تخم‌مرغ	چاکنای	اسباب‌بازی
راهکار	تسمه‌نقاله	

هرچند شمار اسم‌های مرکب هسته‌پایانی که در فرهنگها ضبط شده است بیشتر است اما امروز گرایش عمومی زبان فارسی به ساختن اسم مرکب هسته‌آغاز است (نک. طباطبایی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۳-۱۹۲).

افزون بر این واژه‌های هسته‌دار، شماری اسم مرکب بی‌هسته (به لحاظ معنا برون‌مرکز) نیز با ساختار اسم + اسم در فارسی وجود دارد، مانند:

^۱ برای بررسی تفصیلی این واژه‌ها نک. طباطبایی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۱-۱۹۰.

کاسه‌پشت	سگ‌دست	خارپشت	دم‌اسب	لاک‌پشت
تاج‌خروس	هنرپیشه	قطره‌طلا		

شمار این نوع اسمهای مرکب زیاد نیست، اما به قیاس آنها در زبان علم شماری واژه ساخته شده است که به صورت جمع به کار می‌روند: خارتنان، کیسه‌تنان، خارسران، پولک‌بالان.

ساختن اسم مرکب متوازن یا همپایه نیز با این ساختار رواج دارد:

شیرقهوه	حساب‌کتاب	تپه‌ماهور
جیره‌موجب	کاسه‌بشقاب	پلوخورش
قیمه‌پلو	تیرچه‌بلوک	هو‌یخ‌بستنی

نتیجه

با توجه به آنچه آوردیم برای اسمهای مرکب دارای ساختار اسم + اسم می‌توان ویژگیهای زیر را برشمرد:

هسته‌داری: بخش اعظم این اسمها هسته دار هستند .

ترتیب اجزای سازنده: شمار بزرگی از این اسمها هسته‌پایان هستند، اما شمار هسته‌آغازها نیز کم نیست و در فارسی امروز الگویی کاملا زایا محسوب می‌شود.

معنی‌شناسی: ۱- شمار درون‌مرکها بسیار بیشتر از برون‌مرکهاست

۲- شمار اسمهای مرکب متوازن کم نیست و ساختن اسم مرکب متوازن

الگویی زایا محسوب می‌شود.

اسم + اسم + ی

به هر واژه مرکب، به این اعتبار که واژه است، می‌توان بر حسب قواعد اشتقاق این یا آن‌وند

را افزود:

میهن پرست + - ی ← میهن پرستی

خودباور + - انه ← خودباورانه

اما شمار نسبتاً زیادی واژه مرکب نیز وجود دارد که اگر پسوند "ی" را از آنها حذف کنیم به یک واژه مرکب موجود نمی‌رسیم مانند "همه‌پرسی" و "عقب‌نشینی". "این ترکیبها در حقیقت یک مرحله‌ای هستند، یعنی سه جزء آنها در یک مرحله با هم ترکیب شده‌اند" (صادقی، ۱۳۷۰، ص ۹). از ترکیب "اسم + اسم + ی" شمار نسبتاً زیادی اسم مرکب ساخته شده است: چوب‌دستی، جایخی، سرمادرمانی. این واژه‌ها را به سه نوع می‌توان تقسیم کرد:

۱- اسمهای مرکب هسته‌آغاز: جامسواکی، جایخی، چوب‌رختی، سوزن‌قفل، جاصابونی.

۲- اسمهای مرکب هسته‌پایان: درغالب این واژه‌ها "درمانی" به معنی "درمان کردن" به کار رفته است: گفتاردرمانی، شیمی‌درمانی، آب‌درمانی، سرمادرمانی، لجن‌درمانی.

اما واژه‌های دیگری نیز با این ساختار وجود دارد: شب‌اداراری، پدرخدایی، مادرسالاری، توپ‌بازی، طناب‌بازی

۳- اسمهای مرکب بدون هسته: پادری، رومی‌زی، زیردزی، روتختی، زیردستی، زیردریایی.

ویژگیهای رده‌شناختی اسمهای مرکب دارای ساختار "اسم + اسم + ی":

هسته‌داری: بخش اعظم این اسمهای مرکب هسته‌دار هستند.

ترتیب اجزای سازنده: شماری از این اسمهای مرکب هسته‌آغاز و شماری هسته‌پایان محسوب می‌شوند.

معنی‌شناسی: شمار کوچکتری از کل این اسمهای مرکب برون‌مرکزند.

اسم + اسم - صفت عامل

منظور ما از اسم - صفت عامل واژه‌ای است که از پیوند ستاک حال فعل با پسوند "نده" حاصل می‌آید، مانند کننده، گیرنده، یابنده. این واژه‌ها عموماً از سویی مشترک میان اسم و صفت هستند و از سویی انجام دهنده یک عمل محسوب می‌شوند. از ترکیب "اسم + اسم - صفت

عامل " نیز غالباً نوعی اسم - صفت مرکب ساخته می‌شود که انجام دهنده عملی است: شرکت کننده، تحویل گیرنده، رشدیابنده. شمار چنین ترکیب‌هایی زیاد است، زیرا شمار افعال مرکب فارسی بسیار است و از تعداد زیادی از آنها می‌توان چنین واژه‌هایی ساخت :

آغازکننده	یاری دهنده	سازمان دهنده
گردآورنده	یادآورنده	اجراکننده
وام دهنده	قرض گیرنده	آزاردهنده

همه این واژه‌ها هسته‌پایان به شمار می‌آیند زیرا واژه پایانی (مثلاً آورنده در گردآورنده) معنی فاعلی دارد و کل واژه مرکب هم معنی فاعلی دارد.

ترکیب‌های پیوندی : اسم + ستاک حال

منظور از ترکیب‌های فعلی یا پیوندی واژه‌های مرکبی است که هسته آنها از طریق وندافزایی از یک فعل مشتق شده است و جزء دیگر (وابسته)، که در اینجا اسم است یکی از موضوع‌های فعلی محسوب می‌شود که هسته از آن مشتق شده است، مانند : truck driver (نک. اسپنسر، ص ۳۰۹ و ۳۱۹ و ۳۲۴).

شمار اسم‌های مرکب دارای این ساختار در فارسی بسیار زیاد است^۱:

هواستنج	دارکوب	مبل‌ساز	ریش‌تراش	مورچه‌خوار
قالی‌باف	لاشخور	سیم‌کش	گوشت‌کوب	آفتاب‌پرست
اقتصاددان	پلوپز			

این ترکیب‌ها را نیز می‌توان اسم - صفت عامل نامید زیرا همه آنها دارای معنی فاعلی‌اند. هسته این واژه‌ها همان ستاک فعل است، "بنابراین باید پرسید چگونه ستاک فعل ویژگی معنی خود را به یک اسم - صفت داده‌است. به بیان دیگر، کل ترکیب باید همان وضع دستوری را داشته باشد

^۱ برای بررسی تفصیلی این ساختار نک. صادقی، ۱۳۸۳، ص ۱۱-۵

که هسته آن دارد و در اینجا هسته ترکیب فعل است. به نظر می‌رسد که هسته ترکیب در اینجا پسوند صفر اسم - صفت ساز است که حاکم بر کل ترکیب است.^۱ (صادقی، ۱۳۸۳، ص ۵ و ۶).

نکته دیگری که در مورد این ترکیبها وجود دارد این است که جزء اسمی یکی از موضوعهای درونی (در اینجا غالبا مفعول مستقیم) جزء فعلی است:

قالی باف: فردی که قالی می‌بافد.

هواسنج: وسیله‌ای که هوا را می‌سنجد.

پلوپز: وسیله‌ای که پلو می‌پزد.

در موارد انگشت شماری ممکن است در واژه‌های مرکب دارای همین ساختار جزء اسمی موضوع خارجی (فاعل) جزء فعلی باشد. اما چنین واژه‌هایی عموماً صفت هستند.

دل‌پذیر: ... که دل آن را می‌پذیرد.

شاه‌پسند: ... که شاه آن را می‌پسندد.

گاو‌کش: ... که گاو آن را می‌کشد. (گاری گاو‌کش)

ویژگیهای رده‌شناختی ساختار اسم + ستاک حال

هسته‌داری: همه این اسمهای مرکب هسته دارند.

ترتیب اجزای سازنده: همه این اسمها هسته‌پایان محسوب می‌شوند.

معنی‌شناسی: همه این اسمها درون‌مرکزند.

زبان انگلیسی

اسم + اسم

این ساختار پرشمارترین واژه‌های مرکب را در زبان انگلیسی شامل می‌شود. بخش اعظم این ترکیبها هسته‌پایان محسوب می‌شوند (نک . بائر، ۱۹۸۳، ص ۲۰۴-۲۰۲).

^۱ برای دلایلی که وجود پسوند صفر را در این ترکیبها توجیه می‌کند نک. طباطبایی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۵ و نیز ص ۱۲۰ - ۱۱۸.

Film society	aversion theory	fishing rod
Playground	acid rock	shooting match
Suicide seat	body jewel	family planning

چنانکه می‌بینیم در این ساختار اسم اول ممکن است اسم مصدر باشد، اما در هر حال هسته اسم دوم است، یعنی همان طور که both towel نوعی towel است، fishing rod هم نوعی rod به شمار می‌آید.

شماری واژهٔ برون‌مرکز نیز با این ساختار وجود دارد، مانند: skinhead, hatchback. اما این الگو زایا نیست.

افزون بر این شمار نسبتاً زیادی اسم مرکب متوازن نیز با این ساختار وجود دارد:

boyfriend	jazz-rock	manservant	womandoctor
she-goat			

ویژگیهای رده‌شناختی اسمهای مرکب دارای ساختار اسم + اسم:

هسته‌داری: بخش اعظم اسمهای مرکب دارای این ساختار هسته دارند.

ترتیب اجزای سازنده: همه اسمهای مرکب هسته‌دار، هسته‌پایان محسوب می‌شوند.

معنی‌شناسی: بخش اعظم این اسمهای مرکب درون‌مرکز؛ شمار اندکی برون‌مرکز و شمار نسبتاً بیشتری متوازن محسوب می‌شوند.

صفت + اسم

این مسئله که آیا یک ساختار صفت + اسم در زبان انگلیسی اسم مرکب است یا گروه اسمی صرفاً به طرح تکیه بستگی دارد. برای مثال در deep structure اگر تکیه بر روی deep باشد این عبارت اسم مرکب به شمار می‌آید، اما اگر تکیه را بر روی structure قرار دهیم، گروه اسمی محسوب می‌شود (بائر، ۱۹۸۳، ص ۲۰۵).

Blackboard	newtown	madman
Blackbird	software	handyman

Fast-food doubletalk blueprint

صفت‌هایی که می‌توانند در این ساختار به کار روند محدود است: غالب آنها تک‌هجایی هستند و منشأ ژرمنی دارند.

ویژگی‌های رده‌شناختی اسم‌های مرکب دارای ساختار صفت + اسم

هسته‌داری: همه اسم‌های مرکب دارای این ساختار هسته‌دارند.

ترتیب اجزای سازنده: همه اسم‌های مرکب دارای این ساختار هسته‌پایان محسوب می‌شوند.

معنی‌شناسی: همه این اسم‌های مرکب درون‌مرکزند.

ادات + اسم

این ساختار الگویی نسبتاً زیاست. واژه‌های زیر نسبتاً جدید هستند (بائر، ۱۹۸۳، ص ۲۰۶):

Overkill off-off-broadway in-crowed
Off-island afterheat

ویژگی‌های رده‌شناختی اسم‌های مرکب دارای ساختار ادات + اسم:

هسته‌داری: همگی هسته‌دار هستند.

ترتیب اجزای ترکیب: هسته‌پایان.

معنی‌شناسی: درون‌مرکز

ترکیب‌های گروهی

این ترکیب‌ها ساختارهایی را شامل می‌شوند که کل یک گروه نحوی به اسم مرکب تبدیل شده‌است. این ترکیب‌ها را از نظر هسته‌داری و ترتیب اجزا به دو نوع می‌توان تقسیم کرد: (نک. بائر ۱۹۸۳، ص ۲۰۶-۲۰۷).

۱- گروه نسبتاً کوچکی که هسته‌آغاز محسوب می‌شوند:

lady-in-waiting son-in-law Mother-in-law

گروه بزرگتری که دارای الگویی نسبتاً زیاباست و هسته‌پایان محسوب می‌شود (بائر، ۱۹۸۳، ص ۲۰۷):

what-do-you-think- Pain-in-stomach gesture
movement

ویژگیهای رده‌شناختی اسمهای مرکب حاصل از ترکیبهای گروهی:

هسته‌داری: همگی هسته‌دارند.

ترتیب اجزا: شمار کوچکی هسته‌آغاز و شمار بزرگتری هسته‌پایان هستند.

معنی‌شناسی: همگی درون مرکز محسوب می‌شوند.

ترکیبهای پیوندی: اسم + اسم فاعل مشتق از فعل

این الگو بسیار زیاباست و اسمهایی که می‌سازد معنی فاعلی دارند. در همه این اسمهای مرکب، هسته همان جزء مشتق از فعل است و اسمی که پیش از آن می‌آید مفعول فعل محسوب می‌شود (نک. کوئرک و دیگران، ص ۱۵۷).

cigar smoker	stockholder	dishwasher
gamekeeper	songwriter	penholder
matchmaker	window-cleaner	record-player

ویژگیهای رده‌شناختی اسمهای مرکب دارای ساختار اسم + اسم فاعل مشتق از فعل:

هسته‌داری: همگی هسته‌دارند.

ترتیب اجزای ترکیب: همگی هسته‌پایان محسوب می‌شوند.

معنی‌شناسی: همگی درون مرکزند.

نتیجه

با توجه به آنچه در بالا آوردیم در زبانهای فارسی و انگلیسی ویژگیهای رده‌شناختی اسمهای مرکب به قرار زیر است:

- ۱- در هر دو زبان در واژه‌های مرکب، و نتیجتاً در اسمهای مرکب نیز، تصریف درونی بجز در موارد بسیار اندک وجود ندارد. اما شمار این موارد در انگلیسی بیش از فارسی است.
- ۲- در هر دو زبان شمار اسمهای مرکب هسته‌دار بسیار بیشتر از بی‌هسته است.
- ۳- در هر دو زبان شمار اسمهای مرکب هسته‌پایان بسیار بیشتر از هسته‌آغاز است، اما در فارسی شمار هسته‌آغازها نسبتاً بیشتر است: سه الگوی ساختن اسم مرکب هسته‌آغاز در فارسی وجود دارد که یکی از آنها (اسم + اسم) بسیار زایا و دو الگوی دیگر (اسم + صفت؛ اسم + اسم + صفت) نسبتاً زایا هستند.
- ۴- در هر دو زبان شمار اسمهای مرکب درون‌مرکز در قیاس با برون‌مرکزها بسیار بیشتر است و ساختن اسم مرکب برون‌مرکز فرایندی حاشیه‌ای محسوب می‌شود.
- ۵- در انگلیسی در ترکیبهای پیوندی جزء اول (اسم) همواره موضوع درونی فعل محسوب می‌شود، در فارسی، نیز چنین وضعیتی وجود دارد، بجز در شمار اندکی از ترکیبهای پیوندی که صفت محسوب می‌شوند.

منابع

- خباز، مجید (۱۳۸۶)، "جایگاه هسته در کلمات غیر فعلی فارسی" در دستور، ویژه‌نامه نامه فرهنگستان، جلد سوم، شماره مسلسل ۳، ص ۱۶۶-۱۵۳، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- شقایق، ویدا (۱۳۸۶)، مبانی صرف، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

صادقی، علی اشرف (۱۳۸۳)، "کلمات مرکب ساخته شده با ستاک فعل"، دستور، ویژه‌نامه نامه فرهنگستان، جلد اول، شماره اول، ص ۱۲-۵، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

صادقی، علی اشرف (۱۳۷۰)، "شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۲)" نشر دانش، مرداد و شهریور، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.

طباطبایی، علاء‌الدین (۱۳۷۶)، فعل بسیط فارسی و واژه‌سازی مرکز نشر دانشگاهی، تهران.

طباطبایی، علاء‌الدین (۱۳۸۲)، اسم و صفت مرکب در زبان فارسی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

طباطبایی، علاء‌الدین (۱۳۸۶)، "ترکیب در زبان فارسی (۱)"، نامه فرهنگستان، دوره نهم، شماره سوم، پاییز، شماره مسلسل ۳۵، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

قطره، فریبا (۱۳۸۶)، رساله دکتری "تصریف در زبان فارسی"، استاد راهنما: دکتر محمد دبیرمقدم، استادان مشاور: دکتر ویدا شقاقی و دکتر مصطفی عاصی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، گروه زبان‌شناسی همگانی.

میلانیان، هرمز (۱۳۵۰)، "کلمه و مرزهای آن در زبان و خط فارسی"، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال هجدهم، شماره ۳، ص ۸۴-۶۹، تهران، دانشگاه تهران.

Bauer, Laurie (1983), *English Word-Formation*, Cambridge, Cambridge University Press.

Bauer, Laurie (2009), "Typology of compounds", *The Oxford Handbook of Compounding*, Edited by Lieber & Stekauer, Oxford University Press.

Fromkin, V.R. Rodman, P. Collins, and D. Blair (1996). *An Introduction to Language*, 3rd edn. Sydney: Harcourt Brace.

Katamba, Francies (1993), *Morphology*, Macmillan Press LTD.

Lieber, R. & Stekauer, P. (2009), "Introduction: Status & definition of compounding", *The Oxford Handbook of Compounding*, Edited by Lieber & Stekauer, Oxford University Press.

Plag, Ingo (2003), *word-formation in English*, Cambridge University Press.

Quirk, R. and... (1987), *A Comprehensive Grammar of the English Language*, London and New York: Longman.

Selkirk, Elisabet (1982), *The Syntax of words*, Cambridge, MA: MIT Press

Spencer, Andrew (1991), *Morphological Theory*, Blackwell.